

مبنای قاعده منبع ثانوی جبران خسارت و کاربرد آن در نظام بیمه (حقوق آمریکا و ایران)

چکیده

با پیدایش نهادهای جدید به منظور جبران خسارت زیان دیده در حوزه مسئولیت مدنی، به تدریج نقش نظام عام مسئولیت کمرنگ شد. وجود منابع جنبی چون بیمه های خصوصی و اجتماعی، صندوق تامین خسارات بدنی، موسسات خیریه، صندوق های تعاونی و... به تدریج این مسئله را ایجاد نمودند که جمع آنها با عامل زیان به منظور جبران خسارت زیان دیده چگونه باید صورت گیرد. به طور کلی چهار روش به منظور مواجهه و در برخورد با این مسئله در دنیا مطرح شد که حقوق کشورهای دنیا هر یک را با نظر به سیاست ها، اهداف و کارکرد آن انتخاب نموده اند. اعمال قاعده منبع ثانوی جبران خسارت یکی از روش های جبران خسارت شخص زیان دیده در حوزه مسئولیت مدنی است که قریب به دو قرن پیش به عنوان یک قاعده عام در حقوق آمریکا رسمیت یافت و یکی از اصول دکترین حقوق کامن لا است. شناخت این قاعده ما را به آن جا می رساند که بدانیم دلیل ایجاد این روش برای جبران خسارت چه بوده است و بر چه مبنایی استوار است و مضاف بر آن، بتوانیم کاربرد این روش را در نظام بیمه شناسایی کنیم. در این مقاله ضمن تشریح قاعده منبع ثانوی، استدلال های موافق بر قاعده در حقوق آمریکا و ایران مورد بررسی گرفته و اعمال آن در موارد خاصی از بیمه تطبیق داده شده است.

کلمات کلیدی: بیمه، جبران خسارت مضاعف، ضرر، منابع جنبی، مسئولیت مدنی.

۱. مقدم

۲. به طور کلی عامل زیان مسئول کل خسارات وارده به زیان دیده است و بر اساس اصل جبران خسارت، خسارت وارده به زیان دیده باید به نحو کامل جبران گردد به نحوی که وضعیت شخص را به حال سابق اعاده کند و در عین حال منجر به سود بآورد به نفع وی نگردد. این اصل یکی از اصول منبعث از نظام عام مسئولیت مدنی است. به تدریج با صنعتی شدن جوامع و ایجاد محیط های پرخطر و افزایش خسارات و میزان هنگفت آن، سرعت و اطمینان در جبران خسارت، منابع جنبی چون شرکت های بیمه ایجاد شد که معضل جمع با عامل زیان را مطرح نمود. در حقوق کشورهای دنیا با توجه به مبانی متعدد، روش های گوناگونی به منظور جبران خسارت زیان دیده شامل؛ اختیار زیان دیده در رجوع به عامل زیان و نهادهای ثانوی، اصل جانشینی، قاعده منبع ثانوی جبران خسارت، کاهش مسئولیت عامل زیان به میزان وجوه پرداختی منابع جنبی به نفع زیان دیده ایجاد شده است.

قاعده منبع ثانوی جبران خسارت یکی از روش های جبران خسارت زیان دیده است که یک قاعده ی عام در حقوق آمریکا قلمداد می شود و بر اساس آن مسئولیت عامل زیان با دستاویز جبران خسارت منابع جنبی، کاهش نمی یابد. با وجود آنکه آثار قابل ملاحظه ای در حوزه جبران خسارت و روش های متعدد موجود ارائه شده است، اما هیچ یک به بررسی دلایل ایجاد روش اعمال قاعده منبع ثانوی و کاربرد آن نپرداخته است. وجود قاعده منبع ثانوی این پرسش را مطرح می سازد که چه عواملی باعث ایجاد آن شده است و پشتوانه حمایت از آن چه مسائلی است؟ همچنین این روش در خصوص بیمه که یکی از منابع ثانوی است، چه کاربردی دارد؟

پژوهش پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی بوده و جمع آوری اطلاعات و داده ها در آن به صورت کتابخانه ای و فیش برداری از آثار مختلف داخلی و خارجی چون کتب، مقالات و نشریات معتبر است تا بر اساس آن، پاسخ به این مسائل بتواند در انتخاب یا عدم انتخاب این شیوه در جبران خسارت زیان دیده موثر باشد و وضعیت اعمال آن را در انواع مختلف بیمه معین سازد.

۲. معرفی قاعده منبع ثانوی جبران خسارت

هنگامی که شرایط تحقق ضرر ایجاد می شود بر اساس قوانین تدوین شده و اصول حاکم بر مسئولیت مدنی جبران آن توسط عامل زیان مسلم و قطعی می گردد. در واقع مسئولیت مدنی تعهد به جبران خسارت توسط مباشر یا مسبب حادثه است.^۱ آنچنان که قانون مسئولیت مدنی بر این امر تاکید دارد که در صورت ورود خسارت و لطمه به هر حقی از حقوق افراد که توسط قانون برای افراد ایجاد شده است و منجر به بروز خسارت مالی یا معنوی گردد؛ عامل زیان ملزم به جبران خسارت وارده است. (ماده ۱ و ۲ ق.م.م)

لذا جبران خسارت یک اصطلاح حقوقی است که بر مبنای مسئولیت قهری ایجاد می شود و بر عهده شخص عامل زیان قرار می گیرد. در کنار مفاهیم کلی موجود عبارتی که پس از ایجاد نهادهای ثانوی چون بیمه ایجاد شد، جبران خسارت مضاعف است که از آن به عنوان «جمع مزایا در خسارت»، «جبران زیان مجدد» و موارد مشابه تعبیر می شود.

جبران خسارت مضاعف به حالتی اطلاق می شود که یک زیان در حالی که جبران شده است، مجدد جبران گردد و این امر از طریق نهادهای ثانوی چون بیمه، تامین اجتماعی، موسسات خیریه و... ایجاد شده است. اعمال این شیوه از طریق پرداخت مزایای جنبی و مضاعف تحت «قاعده منبع ثانوی جبران خسارت» است. مزایای جنبی که معادل آن Collateral benefit است، به معنای جبران خسارت و دریافت مزایا از منابع و نهاد هایی غیر از نظام مسئولیت مدنی همچون بیمه های خصوصی و اجتماعی شناخته می شود.^۲

منظور از «نهادهای ثانوی یا جنبی» مراجعی است که مستقل از عامل زیان اقدام به پرداخت وجوه هنگام ورود زیان به زیان دیده می کنند. در واقع این منابع نه از باب جانشینی عامل زیان بلکه به طور مستقل و بر مبنای مختلف مانند قرارداد، قانون، پرداخت های بلاعوض و... اقدام به پرداخت خسارت می کنند. انواع بیمه های بازرگانی و اجتماعی، موسسات خیریه،

^۱ علی غریبه، و عزیز امن الهی، « مبنای مسئولیت تولید و عرضه تجهیزات پزشکی معیوب در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، شماره ۲۶ (۱۴۰۱)، ص ۱۲۷.

^۲ حسن بادینی، «قواعد حاکم بر اعمال همزمان نظام های جبران خسارت (مسئولیت مدنی، بیمه و تامین اجتماعی)»، مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۲ (۱۳۸۷)، ص ۴۰.

صندوق های تامین خسارت، صندوق های تعاونی و... مثال های از نهادهای ثانوی است که در کنار نظام عام مسئولیت مدنی ظهور پیدا کردند و پس از پیدایش خود منجر به ایجاد تحول در نحوه ی جبران خسارت شدند. همچنین هدف مسئولیت مدنی را می توان در سیاست بازدارندگی و جبران خسارت خلاصه نمود. اما پیدایش نهادهای ثانوی به منظور جبران خسارت چون بیمه، موجب تضعیف بازدارندگی از یک طرف و تحصیل جبران خسارت به نحو مطلوب و با سرعت، از طرف دیگر شده است. این اثر نامطلوب پیدایش نهادهای ثانوی را خطر رفتاری می نامیم.^۳ قاعده منبع ثانوی جبران خسارت^۴ که با عنوان قاعده مزایای ثانوی جبران خسارت^۵ نیز شناخته می شود از رایج ترین روش های شناخته شده جبران خسارت در حقوق ایالات متحده آمریکا است.^۶

قاعده منبع ثانوی یا جنبی به معنای عدم کاهش مسئولیت عامل زیان در کنار دریافت مزایای ثانوی از منابع جنبی توسط زیان دیده می باشد. این قاعده دادگاه ها و هیئت منصفه را از بررسی منابع جمعی دریافتی زیان دیده به منظور کاهش خسارت عامل زیان منع می کند. این قاعده به عنوان یک ضمانت اجرای مدنی شناخته می شود و یک ابزار حقوقی در جهت جبران ضرر وارد شده بر زیان دیده می باشد. لذا یکی از روش های جبران خسارت قاعده منبع ثانوی جبران خسارت است که در حقوق آمریکا به عنوان CSR و در حقوق ایران به عنوان «جبران خسارت مضاعف» شناخته می شود و در تعریف آن به صورت کلی می توان بیان داشت: مسئولیت عامل زیان در جبران خسارت زیان دیده به دستاویز جبران خسارت از طریق منابع جنبی کاهش نمی یابد.

^۳ علیرضا باریکلو، و سید نعمت ا... هاشمی، «تأثیر بیمه بر بازدارندگی حقوق مسئولیت مدنی»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، شماره ۱۱ (۱۳۹۵)، ص ۳۲.

^۴The collateral source rule

^۵The collateral benefit rule

^۶ Bryan A, Garner, *Black's Law Dictionary*, (United States: west, Thomson Reuters, 2004), P 792.

همچنین سیستم حاکم بر ایالات متحده آمریکا کامن لای محض نیست که صرفاً هر ایالت بر اساس آن قانون گذاری کند. بلکه قوه قانونگذاری فدرال در راس ایالات، قوانین مختلفی را در امور گوناگون تصویب می کند.^۷ یکی از قوانین فدرال که توسط کنگره به تصویب رسیده است در خصوص قاعده منبع ثانوی جبران خسارت است که به عنوان یک قاعده عام رسمیت یافت. دیدگاه ایالات متحده آمریکا در خصوص حقوق مسئولیت مدنی زیان دیده محوری است. در واقع این قاعده ارائه هرگونه مدارک مبتنی بر پرداخت منابع ثانوی را منع می کند. نمونه ی بارز این ممنوعیت در رای دادگاه عالی فلوریدا صادر شده است.^۸

امروزه با توجه به پیدایش نهادهای ثانوی چون بیمه و عدم توانایی در انکار آن ها نیاز به یک هماهنگی در روش های سنتی و مدرن احساس می شود. وجوه مختلفی که از طرق مختلف غیر از عامل زیان به زیان دیده می رسد این شبهه را ایجاد می کند که عامل زیان از مسئولیت میرا می شود. حال آنکه هدف قاعده منبع ثانوی صرف جبران خسارت نبوده و بازدارندگی عامل زیان نیز مورد توجه آن است. قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی بایستی مبتنی بر سه هدف؛ جبران خسارت زیان دیده، تنبیه عامل زیان و بازدارندگی جامعه باشد.^۹ جبران خسارت زیان دیده، بازدارندگی و تنظیم رفتار جامعه در جلوگیری یا کاهش ضرر و توزیع زیان از اهداف اساسی ایالات متحده در اجرای مسئولیت مدنی است. این قاعده پیدایش نهادهای جدید را دستاویز بی مسئولیتی عامل زیان نمی داند و کارکرد و هدف خود را در هر دو (جبران خسارت و بازدارندگی) دنبال می کند. اهمیت جمع این دو هدف یعنی بازدارندگی و جبران خسارت، و جمع نظام عام مسئولیت مدنی و پیدایش نهادهای جنبی نوظهور؛ موافقان را به اعمال قاعده منبع ثانوی سوق می دهد و آن ها را رقیب سرسخت مخالفان می کند.

^۷ حسن بادینی، وزهرا تخشید، «مقدمه ای تحلیلی و انتقادی بر مطالعه ی تطبیقی حقوق مسئولیت مدنی آمریکا»، مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۲ (۱۳۹۸)، ص ۲۱۹.

^۸Sheffield v superior Ins. Co., 800 so 2d 197, (fla 2001); Grossman v. Beard, 410 So.2d 175 (Fla. 2d DCA 1982)

^۹ مهدی خادم سربخش، و هدایت ا... سلطانی نژاد، «اصل قابلیت جبران کلیه خسارات»، مبانی فقهی حقوق اسلامی (پژوهش نامه فقه و حقوق اسلامی)، شماره ۱۲ (۱۳۹۲)، ص ۳۲.

۳. شناخت پیشینه قاعده منبع جنبی

با وجود آنکه نظام عام مسئولیت مدنی یک شیوه ی کهن در طریقه جبران خسارت زیان وارده بر اشخاص بوده است اما با گذشت زمان شاهد ظهور نهادهایی در جهت جبران خسارت اشخاص بوده ایم که هدف آن ها توزیع زیان و برقراری عدالت توزیعی، متناسب با وضعیت امروزی بوده است. هرچند بیمه در دوران باستان در کشورهای چون مصر و یونان نمودهایی داشت اما برای نخستین بار پیدایش حقوق بیمه را باید از قرن پانزدهم میلادی در کشورهای مدیترانه همچون ایتالیا دانست که در حوزه حمل و نقل دریایی کالا ظهور و بروز کرد.^{۱۰}

در قرن هفدهم میلادی تعدادی از بیمه گران، تاجران و کشتی داران انگلیسی در قهوه خانه فردی به نام ادوارد لوید در شهر لندن گرد آمدند که به موجب آن ادوارد لوید در سال ۱۶۸۸ شرکت لویدز را تاسیس کرد. قهوه خانه لویدز تا سال ۱۷۶۰ میلادی مهم ترین مرکز بیمه خطرهای دریایی بود.^{۱۱}

با توجه به آنکه یکی از انواع بیمه های خسارت بیمه های اموال است. این نوع بیمه ها که با هدف جبران خسارت دارایی مثبت اشخاص ایجاد شده است، از کهن ترین انواع بیمه بوده که منشأ آن بیمه دریایی است.^{۱۲} این نوع بیمه در قرون ۱۷ و ۱۸ پس از میلاد به حوزه آتش سوزی و حوادث نیز تسری یافت.^{۱۳}

^{۱۰} ایرج بابایی، حقوق بیمه، (تهران: سمت، ۱۳۹۰)، ص ۹.

^{۱۱} عیسی امیران بخشایش، و علیرضا باریکلو، «مفهوم اصل جبران خسارت در حقوق بیمه»، مجلس و راهبرد، شماره ۸۰ (۱۳۹۳)، ص ۱۷۰.

^{۱۲} محمد مهدی محمدی، حقوق بیمه (مسئولیت و شخص ثالث)، (تهران: میزان، چ ۱، ۱۳۸۵)، ص ۶۴.

^{۱۳} عیسی امیران بخشایش و علیرضا باریکلو، پیشین، ص ۱۷۲.

همچنین اولین بیمه ای که در ایالات متحده آمریکا رایج شد، بیمه آتش سوزی بود که ابداع آن به فاجعه آتش سوزی لندن در سال ۱۶۶۷ برمی گردد. بیمه تامین اجتماعی نیز در سال ۱۹۳۵ در لایحه دولت فدرال آمریکا استفاده شد.

از نیمه دوم قرن بیستم جبران خسارت جمعی غلبه یافت و موجب تنزل نقش نظام عام مسئولیت مدنی در جبران خسارت شد. از نظر تاریخی عاملان زیان بر این عقیده بودند که آنها مجبور به جبران خساراتی که تحت پوشش بیمه قرار می گیرند یا مزایایی که به نحو بلاعوض ارائه می شوند، نیستند؛ زیرا این امر موجب سود بادآورده زیان دیدگان می شود.

آنچه را که اکنون با عنوان قاعده منبع ثانوی جبران خسارت می شناسیم، نخستین بار دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا به رسمیت شناخت که موضوع مطروحه در آن برخورد دو کشتی بود. (پرونده مونتیسلو Monticello در مقابل Molliso) در مونتیسلو یک تصادم دریایی منجر به از دست رفتن یک کشتی و محمولات آن شد و بیمه گر خسارت وارد به کشتی را پرداخت نمود. سپس مالک کشتی آسیب دیده به خاطر ارزش کشتی از کاپیتان کشتی مقصر طرح شکایت نمود. صاحب کشتی مونتیسلو بر عدم مسئولیت خویش استدلال کرد. او اذعان کرد حتی اگر مسئول هم باشد، خسارات قبلا توسط بیمه پرداخت شده است. اما دادگاه این استدلال را رد کرد و حکم به عدم انتفاع مسئول حادثه از بیمه زیان دیده را صادر کرد. دادگاه بر این امر اذعان داشت قرارداد بیمه که به صورت شرط میان اشخاص ثالث است هیچ گونه ارتباطی با شخص مسئول حادثه ندارد و کاهش مسئولیت عامل زیان به میزان پرداختی های منابع ثانوی، به منزله برخورد با بیمه گر به عنوان یک مرتکب مشترک با عامل زیان است که به نفع عامل زیان تلقی می شود و این هم ردیف قرار دادن امری بلاجهت است. در واقع پرداخت هایی که از سوی نهاد های جنبی به نفع زیان دیده می شود ناشی از قرارداد مشترکی است که میان نهادهایی چون بیمه و زیان دیدگان بالقوه منعقد می شود. لذا دادگاه ها اجازه ندارند مسئولیت خسارت وارده به عهده عامل زیان را بکاهند.

¹ Devon L. Gosnell, "The 'Collateral Source Rule, Whose Windfall Is It?'" *Morgantown*, P 1.

پس از این حادثه قاعده منبع ثانوی جبران خسارت در رویه قضایی آمریکا به طور رسمی پذیرفته شد. لذا دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا این قاعده را برای اولین بار در سال ۱۸۵۴ به رسمیت شناخت و بر این عقیده استوار بود که پرداخت های ثانوی شرکت های بیمه، به زیان دیدگان، به خسارات عاملان زیان ربطی نداشته و موضوعیت ندارد؛ زیرا قرارداد با بیمه گر دارای ماهیت شرط بندی میان اشخاص ثالث است که شخص عامل زیان به آن بی ارتباط است.^{۱۵}

۴. مبانی قاعده منبع ثانوی جبران خسارت

۴.۱. استدلال موافقان در حقوق آمریکا

موافقان قاعده منبع ثانوی جبران خسارت که در کنگره ی حکومت فدرال آمریکا به عنوان یک قاعده عام به تصویب رسید، در جهت حمایت از آن استدلال های محکمی را ارائه داده اند. با وجود مخالفت های فراوانی که مقابل قاعده منبع جنبی صورت گرفته است، هنوز این قاعده به عنوان یک قاعده عام در حقوق آمریکا حاکم است. موافقان اعمال قاعده منبع ثانوی در توجیه پذیرش آن به طرح موضوعات مختلف می پردازند.

موافقان معتقدند نهاد بیمه عهده دار رابطه عامل زیان با زیان دیده و مسئولیت او نیست تا جبران خسارتی که از طرف وی پذیرفته می شود، موجب برائت ذمه خاطی شود. با وجود استدلال های عاملان زیان به تحصیل سود باآورده به نفع زیان دیده، دادگاه ها عموماً آن ها را رد کرده و معتقد بودند که نباید عاملان زیان از آینده نگری زیان دیدگان در خصوص برخورداری از مزایای بیمه یا خدمات رایگان بهره مند شوند.

(Propeller Monticello v. Mollison, 58 U.S. 152, 155 (1854).)

موافقان قاعده بیان می کنند عامل زیان مجاز به بهره مندی از مزایای منابع ثانوی شخص زیان دیده نمی باشد؛ به ویژه در شرایطی که شخص زیان دیده قبلاً نسبت به آن منابع جنبی پرداخت هایی داشته باشد. مانند حق بیمه های پرداختی به انواع شرکت های بیمه موجود یا کاهش دستمزد کارکنان و کارگران جهت تخصیص بیمه و... که از محل بودجه و حساب شخصی کسر شده است. لذا بی شک عدم جبران خسارت عامل زیان یک سود بادآورده و بلاجهت به نفع عامل زیان است که باید از دارایی او کسر می شد اما این امر رخ نداده است. در واقع زیان دیده نه تنها از مزایای بیمه بهره ای نمی برد بلکه یک هزینه اضافی را در پرداخت های حق بیمه متحمل می شود. پرداخت حق بیمه و تحت پوشش هر یک از انواع بیمه ها، دوراندیشی زیان دیدگان احتمالی است که عاملان زیان نباید از آن منتفع شوند.

پازنر(قاضی دادگاه استیناف آمریکا) استدلال می کند اگر عامل زیان خسارت حادثه را متحمل نشود، انگیزه او برای جلوگیری از وقوع حادثه مشابه در آینده کاهش خواهد یافت. به عبارت دیگر قاعده منبع ثانوی با قرار دادن تمام هزینه مورد انتظار حادثه به عهده عامل خسارت از حوادث آینده جلوگیری می کند. مسئله اصلی آن است که ظاهر جبران خسارت مضاعف توسط عامل زیان، فرع بر یک اصل است. در واقع اصل مهم آن است که کل هزینه های ناشی از رفتار زیانبار به عامل زیان تحمیل شود.^{۱۶} برخی ایالات به طور خاص جبران خسارت مضاعف را در شرایطی مانند ارائه بیمه نامه توسط کارفرمای شخص آسیب دیده در خصوص آسیب ناشی از محل کار، منع می کنند. در مقابل پازنر بیان می کند اگرچه در ظاهر بیمه توسط کارفرما ارائه می شود اما در واقع به وسیله ی کارگر به صورت دریافت دستمزد کمتر پرداخت می شود. در نظر ریچارد پازنر استثنائات قاعده منبع ثانوی در صورت ارائه بیمه توسط کارفرما کارآمدی و اثربخشی را کاهش می دهد. چرا که در صورت عدم وجود بیمه

¹ Richard A, Posner, *Economic Analysis of Law*, (New York: Aspen Publishers, 2007), P 200.

ارائه شده توسط کارفرما کارگر دستمزد بالاتری را دریافت می‌کند. لذا منع قاعده منبع جنبی در خصوص بیمه کارگر_کارفرما پذیرفته نیست.

علاوه بر آن دفتر بودجه‌کنگره آمریکا (CBO) با سه دلیل بیان می‌کند که چرا بیمه‌گذاران به ندرت از حق جانشینی (اصل قائم مقامی) استفاده می‌کنند:^۱ عدم قطعیت در صدور رای که زیان بیمه را جبران کند. ۲. هزینه‌های اداری اعمال این حق مانند هزینه‌های مربوط به طرح دعوا. ۳. افکار عمومی (از دید جامعه استفاده از حق جانشینی برای شرکت اقدامی منفی است).^۸

می‌توان بیان داشت مهم‌ترین عامل پذیرش این قاعده مسئله بازدارندگی است. اما تطبیق با شرایط و طریقه زندگی در سطح اجتماعی و جوب ضرورت منابع ثانوی چون بیمه را غیرقابل انکار می‌کند. در این شرایط حتی با وجود جبران زیان توسط نهادهایی چون بیمه، مسئولیت عامل زیان زائل نمی‌شود و بر اساس اصول حاکم بر مسئولیت مدنی هر شخصی که به دیگری زیانی وارد نماید مسئول جبران آن می‌باشد. این امر را نمی‌توان کتمان کرد که ایجاد نهادهای ثانوی ویژگی بازدارندگی مسئولیت مدنی را تضعیف کرده است. به عنوان مثال از آنجا که در بیمه‌های مسئولیت مدنی بیمه‌گر عامل زیان، خسارت زیان دیده را جبران می‌کند؛ بی‌احتیاطی، سهل‌انگاری و عدم مراقبت و دقت متعارف وی را در پی دارد.^۹ لجان فلمینگ بیان می‌دارد: کارکرد بازدارندگی نظام عام مسئولیت مدنی به شدت و شاید به نحو خطرناکی

¹ David, Schap, and Andrew, Feeley, "The Collateral Source Rule: Statutory Reform and Special Interests." *Cato Journal*, vol. 28(1): 83-99, (2008), P84.

¹ David, Schap, and Andrew, Feeley, "(Much) More on the Collateral Source Rule", *Philadelphia: Paper presented at the Eastern Economic Association Meetings*, (2006), P3.

به وسیله ی پیدایش بیمه مسئولیت تضعیف شده است.² لذا به منظور حفظ کارکرد بازدارندگی، قاعده منبع ثانوی توسط موافقان آن ارائه شده است.

این در حالی است که برخی به منظور حفظ سیاست بازدارندگی نظریه قائم مقامی را ارائه داده اند و به جای زیان دیده رجوع نهادهای ثانوی را به عنوان جانشینان زیان دیده، به عامل زیان پذیرفته اند. عامل زیان باید به طور کامل بهای عمل زیانبار خود را بپردازد تا هم خود و هم دیگران را از اعمال زیان بار در آینده منع سازد. این در حالی است که کاهش خسارت، اثر باز دارندگی را کاهش می دهد. لذا قاعده منبع ثانوی از این هدف حمایت می کند. همچنین هر چه قدر که منابع ثانوی در تحصیل سیاست توزیع خسارت نقش داشته باشند، بازدارندگی بهترین مزیت و مبنایی است که با اعمال این قاعده، وجود آن به منظور تعیین میزان خسارات عامل زیان، نادیده گرفته می شود³. لذا همچنین ایجاد نهادهای جنبی نمی تواند به اصول اساسی مسئولیت مدنی لطمه وارد آورد. بر این اساس ممنوعیت رجوع زیان دیده به عامل زیان، مخالف نظم عمومی و امنیت اجتماعی است. امری که به عاملان زیان بالفعل جرئت ارتکاب مجدد خطا و به عاملان زیان بالقوه جسارت ارتکاب رفتارهای خطاکارانه را می دهد. لذا نمی توان زیان دیده را با وجود آن که از نهادهای جنبی مبالغی را دریافت کرده است، از رجوع به عامل زیان منع کرد.

با توجه به لزوم جبران خسارت عامل زیان و تمایل زیان دیده مبنی بر جبران خسارت از طریق منابع ثانوی، عده ای راه حل قائم مقامی بیمه گر را ارائه می دهند. حال آنکه این امر را می توان با قاعده قبح ترجیح مرجوح و راجح نفی نمود. در واقع به منظور جبران خسارت توسط عامل زیان، نمی توان رجوع شرکت بیمه (مرجوح) را بر رجوع زیان دیده (راجح) ترجیح

² John, Fleming, 1967. "The role of negligence in modern tort law", *Virginia law review*, vol. 53(4), (1967), P823.

³ Abraham S, Kenneth, "Twenty-First Century Insurance and Loss Distribution in Tort Law", *Cambridge University Press*, (2005), p140.

داد و مبلغ پرداختی عامل زیان را به شرکت بیمه اختصاص داد. لذا اگر قرار بر جبران خسارت توسط عامل زیان باشد، باید این مبلغ به زیان دیده پرداخت شود نه منابع جنبی.

نظر عده ای که رجوع به عامل زیان را به طور مطلق نفی می کنند می تواند مورد انتقاد قرار گیرد زیرا در برخی حوادث تمام خسارات وارده بر شخص زیان دیده توسط منابع جنبی چون بیمه جبران نمی شود و رجوع به عامل زیان تنها می تواند تکمیل کننده جبران زیان وارده باشد. عدم تکافو مبالغ دریافتی از منابع جنبی می تواند عوامل مختلفی داشته باشد. نوع خسارت وارده بر شخص زیان دیده و میزان خسارت وارده مانند خسارات معنوی و مبالغ هنگفت خسارات مالی می تواند به عدم تکامل جبران خسارت منجر شود. همچنین تعیین سقف و حدود جبران خسارت در برخی بیمه ها تکافو جبران خسارت زیان دیده نمی باشد. هزینه های دادرسی نیز گرچه به نفع زیان دیده مورد حکم قرار می گیرد اما در واقعیت امر هزینه های متحمل شده ی زیان دیده به منظور اقامه دعوا و مطالبه خسارت بیشتر از هزینه های دادرسی محکوم شده است.^{۲۲} لذا با توجه به موارد مطروحه نمی توان پرداخت منابع ثانوی را کافی دانست. رجوع به عامل زیان می تواند در بهبود وضعیت زیان دیده و اعاده او به حالت سابق یاری دهنده باشد. در نظر گرفتن تمام اثراتی که یک حادثه و وقوع خسارت می تواند بر زندگی شخص زیان دیده برجا گذارد، توجیه کننده ی رجوع به عامل زیان و دریافت مبالغ مضاعف است حتی اگر بیشتر از خسارات مالی وارد باشد. چه بسا که هر زیانی تنها به ظاهر آن ختم نمی شود و پشتیبانی و جبران زیان های نهانی را نیز می طلبد.

در کنار اتلاف هزینه، زمان و نیرویی که هنگام بروز یک حادثه و مطالبه خسارت آن، صرف شده و معمولاً نادیده انگاشته می شود، ارزیابی خسارت خود دارای مشکلات عدیده ای است.^{۲۳} کاهش کیفیت زندگی فردی که دچار نقص عضو شده، خسارات غیر قابل جبرانی که به برخی اموال وارد می شود، نقص عضو یک هنرمند و عدم امکان ادامه آن هنر، رنج و مشقت ناشی از دست دادن خویشاوندان، صدمات غیر قابل جبران ناشی از قصور پزشکی، عدم موفقیت

^{۲۲} حسن بادینی. قواعد حاکم بر اعمال همزمان نظام های جبران خسارت. پیشین. ص ۴۶.

^{۲۳} سید حسین صفایی، و سید احسان حسینی، مترجمان، مبانی و اصول مسئولیت مدنی از دیدگاه حقوق تطبیقی، نوشته آندره تنک، ۹۸۳ (تهران: سهامی انتشار، چ ۱، ۱۳۹۸)، ص ۱۷۶.

عمل های زیبایی و... تنها گوشه ای از مسائل مربوط به خسارات وارده بر زیان دیده می تواند باشد.

یکی از دلایل دیگری که در موافقت با قاعده منبع جنبی می توان بیان می کنند، حاکمیت «نظام حق الوکاله مشروط یا اتفاقی» است. نظام حق الوکاله مشروط^۵ ایالات متحده آمریکا در حوزه خسارات بدنی حاکم و جاری است. همان طور که از نام این نظام پیداست، دریافت حق الزحمه یک وکیل، مشروط به امری دیگر است. بر اساس حاکمیت این نظام، بین ۲۰ الی ۵۰ درصد از محکوم به، به عنوان حق الوکاله به وکیل زیان دیده پرداخت می شود. کمک به افراد ناتوان از اتخاذ وکیل در پرونده و ایجاد انگیزه در وکلا به منظور تلاش در احقاق حق خواهان و موفقیت در دعوا از عوامل حاکمیت این موضوع در نظام حقوقی آمریکا است. هر چند با اعمال این شیوه افراد زیادی که توانایی مالی بهره مندی از وکیل را ندارند می توانند با این شیوه مبلغی را به نحو مستقل پرداخت نکنند؛ اما با ارائه قسمتی از مبلغ محکوم به، به وکیل، زیان وارده به زیان دیده به نحو کامل جبران نمی گردد و حالت او را به وضع سابق اعاده نمی کند. لذا رجوع به عامل زیان و حاکمیت نظام عام مسئولیت مدنی در کنار منابع جنبی بایستی وجود داشته باشد. حال آنکه اعمال شیوه قائم مقامی در جایی که نظام حق الوکاله مشروط حاکم است، منجر به عدم جبران کامل خسارت زیان دیده می شود که این امر مخالف اصول اساسی جبران خسارت می باشد.

در یک تقسیم بندی بیمه های خصوصی را می توان به بیمه شخص اول و بیمه شخص ثالث تقسیم نمود. بیمه های شخص اول یا متعهد به پرداخت مبلغ معینی به بیمه گذار، بر اساس توافق طرفین در قرارداد می شوند و یا متعهد به جبران ضرر خاصی به بیمه گذار می شوند که میزان آن پس از وقوع حادثه مشخص می شود.^۵ در این نوع بیمه شخص خود را در برابر خساراتی که ممکن است توسط دیگران ایجاد شود، بیمه می کند. اما در بیمه های شخص ثالث مسئولیت ناشی از زیان های وارده توسط بیمه گذار علیه زیان دیده، بیمه می

^۵Contingent fee

^۵John G, Fleming, *The law of torts*, (Sydney: The Law Book Company, 1987), P 382-385.

شود. دادگاه هایی مانند دادگاه عالی کالیفرنیا اعمال قاعده منبع جنبی را تشویقی برای شهروندان می دانند که در مقابل احتمالات و به منظور حفظ خویش از آسیب ها به انواع بیمه ها روی آورند و آن را نوعی سرمایه گذاری می دانند.²

بیمه های عدم النفع از انواع پوشش های بیمه ای اموال است که در آن خسارات اقتصادی و عدم النفع ناشی از وقفه در فعالیت های تجاری، توسط شرکت های بیمه جبران می شود. این نوع بیمه را اغلب در کشور های توسعه یافته چون آمریکا و انگلستان می توان مشاهده نمود. طبیعتاً در کشور هایی چون ایران که جبران خسارت عدم النفع با تردید روبه روست، پوشش این نوع بیمه ها چندان رایج نیست.

رسمیت یافتن این نوع بیمه در سال ۱۸۷۰ در ایالات متحده آمریکا و رواج آن در نظام حقوقی آمریکا حاکی از پذیرش خسارت عدم النفع است. اصولاً خسارت عدم النفع یک خسارت غیر قطعی است که محاسبه ی دقیق آن امکان پذیر نبوده و بر اساس شواهد و اوضاع و احوال موجود در هر پرونده بررسی می گردد. لذا دادگاه های آمریکا بر اساس قطعیت معقول به آن حکم می دهند.^۳ حکم به جبران خسارت عدم النفع در دادگاه های آمریکا و توجه به جبران خسارت کامل زیان دیده، حاکی از اعمال قاعده ی منبع ثانوی جبران خسارت است که علاوه بر آن که عامل زیان ملزم به جبران اصل خسارت وارد شده، است، زیان دیده می تواند از شرکت های بیمه نیز خسارات عدم النفع را مطالبه نماید و جمع رجوع به هر دو را ممکن می سازد.

همانطور که می دانیم در مسئولیت تضامنی هر یک از اشخاصی که ضامن شناخته می شوند به تنهایی مسئول جبران زیان وارده می باشند. زیان دیده در صورت تمایل می تواند هر میزان که بخواهد به هر یک از مسئولان مراجعه کرده و باقی خسارت را از ضامن دیگری بگیرد. همچنین به هر میزانی که از خسارت وارده توسط مسئولان ضامن جبران شود به همان

² Linda L. House, "Section 1983 and the Collateral Source Rule", *EngagedScholarship*, vol. 40(1), (1992), P104.

^۳ مونا عبدی، و عباس میرشکاری، « اصول ارزیابی و محاسبه خسارت در بیمه های عدم النفع»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، شماره ۳۵ (۱۴۰۳)، ص ۲۶۶ و ۲۸۱.

میزان کلیه آن‌ها بری می‌شوند. لذا در صورتی که کل میزان خسارت توسط یکی از ضامن‌ها جبران شود، زیان دیده حق مراجعه مجدد به سایرین را ندارند. در تبیین این قاعده برخی به مسئولیت تضامنی اشاره می‌کنند و بیان می‌دارند مسئولیتی که در میان چند ضامن برقرار است ناشی از یک مسئولیت مشترکی است که بر عهده همه آن‌ها است و جبران کل آن توسط هر یک، باقی اعضا را از مسئولیت مبرا می‌سازد. در حالی که در CSR هیچ یک از نهادهای ثانوی که خسارت وارد بر زیان دیده را جبران می‌کنند در ورود خسارت نقشی نداشته و شریک مسئول حادثه نمی‌باشند تا با جبران خسارت توسط آن‌ها مسئول حادثه را نیز مبرا سازد. لذا با این قیاس نمی‌توان مسئولیت عامل زیان را به طور کلی یا جزئی کاست و رجوع به عامل زیان به منظور دریافت کل خسارت وارده پذیرفته شده است.

در نظام حقوقی کامن لا عواملی چون شرایط محیطی، اجتماعی و رای قاضی مبنای مسئولیت مدنی اشخاص را تعیین می‌کند. مسئولیت مدنی در کامن لا مبتنی بر یک امر مشخص نبوده بلکه می‌تواند ناشی از عمد، مسئولیت مطلق و تقصیر باشد.^{۲۸}

در برخی آرا در محاکم قضایی آمریکای صدر حکم بر اساس مسئولیت مطلق بوده است که شخص را بدون تقصیر نیز مسئول دانسته است. به عنوان مثال در نگهداری اشیای خطرآفرین یا برخی اقداماتی که فاعل از انجام آن‌ها نفع می‌برد، در صورت ورود زیان، مسئولیت حتی بدون تقصیر پذیرفته شده است. مانند رای صادره در دعوی فلچر علیه ریلاند به سال ۱۸۶۸ در دادگاه لیورپول که در پی آن ریلاند با یک مقاطع کار قراردادی مبنی بر ساخت آب انبار در ملک خویش منعقد می‌کند که در پی حفاری مقاطع کار، آب معدن فلچر را که در مجاورت آن است فرا می‌گیرد و دادگاه رای به مسئولیت ریلاند با وجود آنکه مرتکب تقصیری نگشته است می‌نماید.^{۲۹} یکی دیگر از مبانی مسئولیت در حقوق کامن لا تقصیر است که در موارد بی احتیاطی و غفلت محقق می‌گردد و بر اساس آن شخص اقدام به انجام فعل یا ترک فعلی

^{۲۸} سید مرتضی قاسم زاده، *مبانی مسئولیت مدنی*. (تهران: میزان، چ ۴، ۱۳۸۷)، ص ۲۸۱ و ۲۸۲.

^{۲۹} همان جا.

می کند که رعایت احتیاط در آن معقول است: «همچنین هنگامی که شخص با قصد خویش به دیگری عمدا خسارتی وارد آورد مسئول جبران آن می باشد.

موافقان معتقدند بر اساس قاعده منبع ثانوی مسئولیت عامل زیان بر هر مبنایی که باشد زیان دیده از منابع جنبی نیز حق دریافت وجوه را دارد.

نمونه ی بارز اعمال این قاعده را می توان در ایالاتی چون میشیگان، ماساچوست^{۳۰} و ویرجینیا یافت. در ایالت ویرجینیا عقیده بر این است که خسارات قابل جبران صدمات شخصی ناشی از سهل انگاری و غفلت عامل زیان به بهانه جبران آن توسط زیان دیده کاهش نمی یابد. دادگاه های عالی ویرجینیا بر این باورند که مبالغی که توسط منابع ثانوی به شخص زیان دیده پرداخت می شود، در برابر دین عامل زیان اعتباری ندارد. منطق و اساس این قاعده این است که کل خسارت زیان دیده باید توسط عامل زیان جبران شود نه آنکه ترکیبی از منابع ثانوی و عامل زیان باشد. این امر به این معناست که در صورت جبران مقداری از خسارت توسط نهادهای ثانوی، مابقی خسارت توسط عامل زیان پرداخت نمی شود، بلکه زیان دیده بابت کل مبلغ می تواند به عامل زیان رجوع کند. در توجیه این عقیده می توان به یکی از آرا صادره استناد نمود: دادگاه عالی ویرجینیا (در دعوی Fidelina D. Acuar v. Kevin Letourneau, 2000) در خصوص دادخواست خواهان مبنی بر جبران خسارت در حادثه تصادف وسیله نقلیه موتوری، درخواست خوانده را مبنی بر کاهش مسئولیت به جهت جبران خسارت شرکت بیمه، رد کرد. دادگاه استدلال نمود که قاعده منبع ثانوی جهت ایجاد تعادل میان دو اصل متضاد اعمال می شود (۱). جبران خسارت و تا میزان خسارت و نه بیشتر، ۲. مسئولیت عامل زیان بر جبران خسارت) و در نهایت نفع زیان دیده را برمی گزیند.

^{۳۰} قاسم حیدری، پرویز عامری، و علی آل بویه، «بررسی تطبیقی مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و آمریکا»، پژوهش های روابط بین الملل، شماره ۲ (۱۳۹۷)، ص ۲۶۴.

^{۳۱} رای صادره از دادگاه استیناف در دعوی Harris-Lewis v. Mudge, 60 Mass. App. Ct. 480, 803 (N.E.2d 735 (2004)

۴.۲. استدلال موافقان در حقوق ایران

با وجود آنکه با بررسی قوانین و آرا قضائی نمی توان پیشینه قاعده منبع ثانوی را به عنوان یک قاعده عام یافت؛ اما برخی حقوقدانان در جهت حمایت از آن نظرات مستدلی را ارائه داده اند. علاوه بر آن، می توان پذیرش این قاعده را در برخی از منابع ثانوی چون بیمه های عمر و حوادث مشاهده نمود.

در مخالفت با این قاعده، حقوقدانان اصل «منع جمع چند وسیله جبران خسارت» را مورد توجه و پذیرش قرار داده اند. با وجود پذیرش این اصل در میان حقوقدانان می توان قوانینی را یافت که تابعیت از این اصل را چنانکه باید نشان نمی دهد. هیچ یک از متون قانونی را نمی توان مشاهده کرد که به طور صریح به هر یک از شیوه های جبران خسارت ۴ گانه به عنوان روش حاکم به عنوان یک اصل، اشاره کرده باشد.

موافقان اعمال قاعده منبع ثانوی به وجود نظریه های مشورتی در خصوص جمع پرداختی های بیمه و دیه به زیان دیده اشاره می کنند و بر اساس آن جبران خسارت مضاعف را می پذیرند. به عنوان مثال در نظریه مشورتی ۱۳۶۴/۴/۴ اداره حقوقی قوه قضائیه، جمع مزایای تامین اجتماعی و دیه در کنار یکدیگر به نفع زیان دیده، پذیرفته شده است. بر اساس نظام دیات، تنها افرادی می توانند دیه را دریافت کنند که به آن ها زیان وارد شده است. با توجه به نظریه مشورتی ۷-۹۵۹-۱۳۶۴/۴/۴ اداره حقوقی قوه قضائیه که منشأ، مبلغ، مسئول پرداخت خسارت و دیه، اشخاص ذی نفع حادثه در نهاد های ثانوی (بیمه های اجتماعی و خصوصی) و نظام دیات متفاوت است؛ شرکت های بیمه نمی توانند دیه متعلق به زیان دیده را دریافت کنند. لذا در صورت جبران خسارت توسط شرکت های بیمه، حق رجوع به عامل زیان برای این نهاد محرز نبوده و در این زمینه قائم مقام زیان دیده نمی باشند، بلکه زیان دیده یا زیان دیدگان خود می توانند به عامل زیان رجوع کرده و و در کنار دیه دریافتی، از عامل زیان مبلغ زیان وارده را دریافت کنند.

در خصوص پذیرش شرط خلاف مواد ۳۰ قانون بیمه، ماده ۶۶ و ۹۰ قانون تامین اجتماعی و آمره یا تکمیلی بودن آن ها دیدگاه های متفاوتی وجود دارد. برخی بر این عقیده اند که شرط خلاف اصل قائم مقامی صحیح بوده و می توان عدم رجوع شرکت های بیمه را به عامل زیان شرط کرد. حال آن که برخی دیگر با این نظر مخالفت کرده و بطلان چنین شرطی را قائل اند. در واقع پذیرش شرط خلاف این مواد، موجب بی توجهی به سیاست بازدارندگی است. مگر آن که شرط خلاف اصل قائم مقامی را با رجوع زیان دیده به عامل زیان بپذیریم که بر اساس آن، زیان دیده می تواند علاوه بر شرط عدم رجوع نهاد های ثانوی به عامل زیان، خود به وی رجوع کند که این امر با وجود آن که ممکن است موجب جبران خسارت مضاعف شود، اعمال سیاست بازدارندگی را به دنبال دارد.

از یک منظر می توان گفت هدف مسئولیت مدنی اگر بازدارندگی نباشد موجب جسارت عاملان حادثه بر انجام مجدد آن می شود. لذا مسئول دانستن عامل زیان مشابه محکومیت یک مجرم به پرداخت جزای نقدی است. از طرفداران این نظریه نیز گروس فیلد (حقوق آلمان)، ویندینگ کروزر (حقوق دانمارک)، بوریس استارک (حقوق فرانسه) می باشند. آذر واقع این گروه معتقدند پرداخت خسارت در کنار جبران خسارت زیان دیده، در موارد وجود تقصیر به عنوان یک مجازات نیز عمل می کند. هدف دیگر مسئولیت مدنی برقراری نظم و امنیت اجتماعی است که با مسئول دانستن عامل زیان محقق می شود و این امر را در اذهان عمومی می گستراند که در صورت ارتکاب عملی که موجب بروز خسارت می شود، جبران آن توسط آنان الزامی است. این نظریه در رویه قضایی فرانسه با عنوان بطلان قراردادی که مبتنی بر عدم مسئولیت مدنی باشد، آمده است که جنبه عمومی داشتن این قواعد محل استناد آن ها است.^{۳۳}

از اصول برآورد خسارت در دادگاه ها را می توان اصل لزوم جبران کامل ضرر و لزوم رعایت وضعیت و توانایی مسئول دانست. مراد از اصل لزوم جبران کامل خسارت آن است که زیان وارده به نحوی جبران شود که گویی خسارتی وارد نیامده و وضعیت او را به حالت پیش از وقوع حادثه بازگرداند. اصل جبران کلیه ی خسارات قول مشهور حقوقدانان در حوزه مسئولیت

^{۳۳} علیرضا باریکلو، مسئولیت مدنی، (تهران: میزان، چ ۱، ۱۳۸۵)، ص ۴۱.

مدنی است.^{۳۴} با توجه به ماده ۲۲۷ و ۶۵۲ قانون مدنی قاضی در برآورد خسارت ملزم به لحاظ وضعیت مسئول حادثه می باشد. همچنین طریقه جبران خسارت بر اساس قانون مسئولیت مدنی دارای آزادی عمل بیشتری نزد دادگاه هاست. بر اساس ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی دادگاه کیفیت، طریقه و میزان زیان را با توجه به اوضاع و احوال معین خواهد نمود. لذا اختیار تعیین طریقه جبران خسارت به عهده دادگاه ها است. دادگاه در تعیین جبران خسارت باید شیوه‌های را به کار گیرد که خسارت وارده بر زیان دیده به نحو کامل جبران شود اما باید در نظر داشت اعمال جبران کامل خسارت مانع اعمال ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی نمی شود. براساس ماده ۴ قانونگذار قائل به کاهش قضایی مسئولیت عامل زیان می باشد.^{۳۵}

با وجود کیفیات مخففه ای که در کاهش مسئولیت عامل زیان در قانون مسئولیت ما پذیرفته شده است و در آن به عامل زیان نیز توجه و در تلاش یک توازن میان آن ها می باشد؛ بهره گیری از مزایای منابع جنبی می تواند یاری دهنده در جبران کامل خسارت زیان دیده و اجرای ماده ۴ با کمترین تالی فاسد های ممکن باشد. در واقع با وجود آنکه توجه به شرایط عامل زیان و وقوع حادثه امری پسندیده و در تحقق عدالت یاری دهنده می باشد اما باید توجه داشت که جبران خسارت زیان دیده نباید جبران نشده باقی بماند و این خلاء می تواند با به کارگیری مزایای جنبی جبران شود. بنابراین با توجه به آنکه جبران خسارت در مواردی با توجه به وضعیت عامل زیان است رجوع به منابع جنبی در کنار عامل زیان در جهت تحقق جبران خسارت نقش اساسی دارد.

از یک جنبه می توان بیان داشت با وجود آنکه یکی از شرایط جبران خسارت آن است که جبران نشده باشد در شرایطی که وجوهی از نهادهایی چون بیمه به شخص زیان دیده می رسد، چون این پرداخت ها مسبوق به انعقاد قراردادی است که میان شرکت های بیمه و زیان دیدگان بالقوه می باشد اثری بر رابطه میان عامل زیان و زیان دیده نداشته و می تواند تمام خسارات وارده را از عامل زیان دریافت کند. اما برخی معتقد هستند در صورتی که وجوه

^{۳۴} سید نورالله شاهرخ، و حبیب الله رحیمی، «بررسی انطباق اصل جبران همه خسارات با مبانی کثرت گرا در حوزه فلسفه مسئولیت

مدنی»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، شماره ۳۰ (۱۴۰۱)، ص ۱۸۳.

^{۳۵} علی عباس حیاتی، حقوق مدنی^۴ مسئولیت مدنی، تهران: میزان، چ ۱، ۱۳۹۲، ص ۳۳۹.

دریافتی عامل زیان به صورت رایگان بوده باشد زیان دیده تنها به میزان خسارت جبران نشده می تواند به عامل زیان مراجعه کند و سازمان مربوطه می تواند بر اساس ماده ۳۰ قانون بیمه آن را از مسئول زیان مطالبه کند.^{۳۶}

هدف اصلی مسئولیت مدنی جبران زیان وارده بر شخص زیان دیده و بازدارندگی عامل حادثه فرع بر آن است.^{۳۷} بر اساس اصل بازگشت وضعیت زیان دیده به حالت پیش از وقوع حادثه، هنگامی که به زیان دیده خسارتی وارد می شود وضعیت او از حالت پیش از وقوع زیان تغییر می کند و جبران آن منوط به بازگشت وی به وضع پیشین است.^{۳۸} آنچه که می تواند وضعیت زیان دیده را به حالت قبل برگرداند لزوماً جبران خسارت مادی نبوده و خسارت معنوی وارد شده بر شخص نیز باید جبران گردد. به عنوان مثال در یک تصادف رانندگی با جبران زیان وارده بر خودرو نمی توان گفت وضعیت زیان دیده به حالت پیش از وقوع زیان بازگشته است، چرا که کاهش قیمت خودرو، تحمل بار روانی ناشی از حادثه، صرف زمان و از دست رفتن فرصت انتفاع در زمان تعمیر آن، بخشی از زیان هایی است که در برآورد خسارت وارد لحاظ نمی گردد. این امر در برخی نظام های حقوقی با پذیرش جبران خسارت معنوی و اعمال آن پذیرفته شده است. در شرایطی که کلیه زیان های وارده بر یک شخص مورد توجه و جبران قرار نمی گیرد، وجود نهاد های جنبی در کنار عامل حادثه می تواند پوشش دهنده زیان های جبران نشده و اعاده شخص به وضع پیشین باشد. بنابراین یکی از فروعات اصل اعاده وضعیت به سابق و جبران کامل خسارت، اصل توجه به خسارات تکمیلی در کنار خسارت اصلی است. این نوع خسارت می تواند شامل خسارات معنوی، خسارات ناشی از کاهش ارزش پول، خسارت تنبیهی و... باشد.^{۳۹}

^{۳۶} یحیی جلیلود، *مسئولیت مدنی قصات و دولت در حقوق ایران، فرانسه، آمریکا و انگلیس*، (تهران: یلدا، چ ۱، ۱۳۷۳)، ص ۷۱.

^{۳۷} حسن ره پیک، *حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها*، (تهران: خرسندی، چ ۱۷، ۱۳۹۰)، ص ۲۲.

^{۳۸} همان. ص ۸۸.

^{۳۹} حسن ره پیک، *پیشین*. ص ۹۳.

در نگاه اول و به نحو عموم عدالت چیزی جز اقتضای جبران خسارت ندارد اما تحمیل جبران آن را توسط عامل زیان نمی توان اقتضای آن دانست. اگر صورتی که بخواهیم حمایت از عامل زیان بد اقبال را که باعث ورود یک خسارت اتفاقی و بدون تقصیر شده است مطلوب بدانیم، تضمین جبران خسارت زیان دیده نیز در مقابل آن مطلوب و مورد حمایت است. همچنین جلب رضایت زیان دیده چیزی جز تسلی خاطر او از تضمین جبران زیان وارد شده نمی باشد. رفع این تعارض را در سیاست توزیع ضرر می توان جستجو کرد. «توزیع خسارت» به معنای انتشار ضرر و تقسیم و تحمیل آن بر خیلی عظیمی از افراد است. انواع بیمه های خصوصی، بیمه اجتماعی، خدمات سلامت عمومی همه به نحوی در جهت توزیع زیان و همبستگی اجتماعی و تعاون عمومی و در برخی موارد کسب سود به میان آمده اند. توزیع خسارت با پرداخت غرامت و جبران خسارت زیان دیده در تعارض نیست اما این امکان وجود دارد که پرداخت آن توسط منابع جنبی و پخش آن در میان افراد، معارض سیاست بازدارندگی و عدالت که اقتضا در عدم انتقال همه پیامدهای شخص به افراد دیگر دارد باشد.^{۴۰} در واقع در مواردی که شخص مقصر و مسئول حادثه شناخته می شود برداشت کلیه مسئولیت از وی پذیرفته نیست. لذا جبران آن از طریق عامل خسارت و رجوع زیان دیده به مسئول حادثه نیز در کنار منابع جنبی می تواند رافع این اشکال باشد.

در کنار این استدلال ها نمی توان این مسئله را نادیده گرفت که گاهی قصد واقعی زیان دیده از طرح دعوا علیه بیمه گر و بیمه گذار مسبب حادثه، تمسک به دو منبع برای جبران است و رجوع خواهان به هر یک به اعتبار جداگانه ای است. در این صورت، خواهان حق دارد خسارت خود را از بیمه گذار و بیمه گر بخواهد و مطالبه این حق از محکمه، نیاز به پاسخ قضایی دارد. و همچنین حمایت حداکثری از زیان دیده صرفا بر بنیاد نظریه تضامن در مسئولیت بیمه گذار مسبب حادثه و بیمه گر بنا می گردد.^{۴۱} اگر بخشی از دادنامه شماره ۹۳۰۷۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شعبه ۸۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران در توجیه استناد به مسئولیت تضامنی آمده است: «هر

^{۴۰} حسین صفایی و احسان حسینی، پیشین، ص ۱۷۹.

^{۴۱} همان، ص ۱۸۱.

^{۴۲} حمید افکار، و عبدالله خدابخشی، «طرح نظریه تضامن مسئولیت مسبب حادثه و بیمه گر در قانون بیمه اجباری»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۲۰ (۱۴۰۱)، ص ۴۰ و ۳۴.

چند در قانون ما صدور حکم دایر بر محکومیت تضامنی مستلزم نص قانون است اما در پاره ای از موارد اقتضای وضعیت ایجاب مینماید که مسئولیت تضامنی انجام پذیرد زیرا حقوق شخص حقیقی و حقوقی به جهت وضعیت استنادی مالی و حقوقی به گونه ای است که چنانچه مسئولیت را به تساوی یا نسبت ایجاد نمائیم موجبات دارا شدن غیرعادلانه اشخاص خواهد شد...»

۵. کاربرد قاعده منبع ثانوی در نظام بیمه

در حقوق کشورهای دنیا روش های گوناگونی به منظور جبران خسارت ارائه شده است که هر یک بر مبنای سیاست ها و اهداف خویش است. به طور کلی با توجه به نهادهای گوناگون و جبران خسارت توسط آنها این پرسش مطرح می گردد که با اجرای قراردادی چون بیمه آیا از بیمه گذار رفع خسارت شده و دیگر دلیلی بر رجوع به عامل زیان نمی باشد؟ یا آنکه اجرای قرارداد بیمه تاثیری در اشخاص ثالث نداشته و عامل زیان همچنان مسئول پرداخت خسارت است؟

اکثریت قریب به اتفاق کشور های دنیا بر این امر اتفاق نظر دارند که قلمرو اعمال قاعده منبع ثانوی در خصوص انواع بیمه محدود به بیمه عمر و حوادث است.

موضوع بیمه اشخاص جان، سلامتی و در یک کلام وجود اشخاص است.^{۴۳} این بیمه تمامیت جسمانی اشخاص را تحت پوشش و حمایت قرار می دهد. مرگ طبیعی یا بر اثر حادثه، بیماری، نقص عضو، از کار افتادگی، هزینه های پزشکی ناشی از حادثه و... مثالی هایی از بیمه اشخاص است. بیمه های سرمایه ای در هنگام ورود خسارت و یا حتی غیر آن، موظف به پرداخت مزایایی به میزان وجه معینی است که در قرارداد ذکر شده است. (در فرض وجود خسارت چه بیشتر از میزان خسارت وارده باشد و چه کمتر از آن) در واقع پرداخت از طرف شرکت بیمه به

^{۴۳} عمران نعیمی، و محمد مهدی صداقت، حقوق بیمه، (تهران: جنگل، چ ۱، ۱۳۹۱)، ص ۷۲.

جهت جبران خسارت بیمه گذار نبوده بلکه ایفاء تعهدی است که در قرارداد تعیین گردیده است. بیمه عمر، حوادث و درمان از انواع بیمه های اشخاص هستند.

۵.۱. بیمه عمر

بیمه عمر قراردادی است که به موجب آن بیمه گر در مقابل پرداخت حق بیمه از سوی بیمه گذار، متعهد به پرداخت مبلغ معینی به صورت یکجا در قالب سرمایه بیمه شده یا در مدت معین به صورت مستمری به شخص بیمه گذار یا شخص ثالث تعیین شده در قرارداد، ملزم می شود، که موعد آن می تواند مرگ یا حیات بیمه گذار یا شخص دیگر در زمان مشخص باشد. این بیمه جنبه پس انداز داشته و بیمه گذار هر زمان که بخواهد می تواند آن را متوقف کند. در واقع بیمه عمر یک نوع آینده نگری و سرمایه گذاری برای بیمه گذار یا اشخاص ثالث است. لذا با توجه به ویژگی ها و شرایط موجود در انواع مختلف بیمه های عمر می توان بدین نتیجه دست یافت که در بیمه های عمر به شرط فوت، عمر به شرط حیات و مختلط از آنجا که جنبه پس انداز در آن ها وجه غالب بوده و دریافت مزایا در آن مسلم است؛ هیچ ارتباطی با پرداخت خسارت از طرف عامل زیان که مقصر در فوت او بوده ندارد و دریافت وجوه از عامل خطا و بیمه عمر توأمان پذیرفته است. بنابراین قاعده منبع ثانوی را در بیمه عمر که یکی از انواع بیمه های اشخاص است می توان اعمال نمود.

۵_۲. بیمه حوادث بدنی

در این نوع بیمه آنچه مورد حمایت توسط بیمه گذار قرار می گیرد، صدمه و حوادث بدنی ناشی از وقوع یک حادثه است که در صورت وقوع آن بیمه ملزم به پرداخت مبلغ معینی به زیان دیده می شود. مقصود از حادثه بدنی صدمه وارد بر عضو بر اثر یک عامل بیرونی، مستقل از قصد و اراده شخص زیان دیده و غیر منتظره است. دگر بیمه حوادث مواردی چون نقص

^{۴۴} محمد حیاتی، مترجم، حقوق بیمه. نوشته بو روزه، (تهران: بیمه مرکزی ایران، ج ۲، ۱۳۷۸)، ص ۸۱.

عضو، بیماری، هزینه های درمانی ناشی از حوادث، از کار افتادگی، مسمومیت، فوت و... که ناشی از وقوع یک حادثه می باشد، تحت پوشش قرار می گیرند و بر اساس آن بیمه موظف به حمایت از بیمه شده طبق موارد تعیین شده در قرارداد و پرداخت خسارات ناشی از حوادث می باشد. در خصوص بیمه حوادث بدنی برخی معتقدند توافق بر رجوع بیمه به عامل زیان خلاف نظم عمومی است.^{۴۵}

به علت شباهت هایی که بین این بیمه و بیمه عمر از لحاظ پرداخت حق بیمه و جنبه سرمایه گذاری آن وجود دارد، برخی اعمال قاعده منبع جنبی را صحیح می دانند. این در حالی است که عده ای دیگر با این امر مخالفت کرده و خطر را در بیمه عمر (مرگ) حتمی و در بیمه حوادث بدنی غیر قطعی می دانند و بر این مبنا بیمه حوادث بدنی را سرمایه گذاری نمی دانند. لذا اعمال قاعده منبع ثانوی را در خصوص بیمه حوادث بدنی منتفی می دانند.^{۴۶} با وجود دیدگاه های معارضی که در ماهیت بیمه حوادث وجود دارد، اما به طور کلی آن چه از این نوع بیمه می توان استنباط نمود آن است که با توجه به آنکه در هنگام فوت و وقوع حادثه از منتفعان بیمه حمایت می شود به نوعی سرمایه گذاری و در زمره بیمه اشخاص است. لذا اعمال قاعده منبع ثانوی در این بیمه پذیرفته است.

لذا بنا به توضیحات مطروحه، هدف اکثر بیمه های اشخاص علاوه بر جنبه تامین و جبران خسارت، یک نوع سرمایه گذاری است. حال آنکه هدف بیمه های خسارت صرفاً جبران زیان وارده در هنگام وقوع خطر می باشد. ثمره قراردادهای مربوط به بیمه های اشخاص، ایجاد حق دینی به نفع بیمه گذار است که به منزله یک اوراق اعتباری است.^{۴۷} همچنین اصل جبران خسارت را نمی توان در بیمه های اشخاص حاکم دانست چراکه هیچ گونه رابطه ای میان

^{۴۵} جانعلی محمود صالحی، فرهنگ اصطلاحات بیمه و بازرگانی، (تهران: شرکت صادراتی سازمان صنایع ملی ایران، ج ۱، ۱۳۶۷)، ص ۷۵.

^{۴۶} John, Fleming, *International Encyclopedia of Comparative Law*. Volume XI, Torts, chapter 11, Collateral benefits, (Tubingen: J.C.B. Mohr (Paul Siebeck), 1971), p11.

^{۴۷} عمران نعیمی و محمد مهدی صداقت، پیشین، ص ۸۵.

خسارت زیان دیده و وجوه پرداختی وجود ندارد حتی اگر موضوع بیمه در نتیجه حادثه و بروز خسارت تحقق نیابد، شرکت های بیمه موظف به ایفای تعهد قراردادی خویش می باشند.

مضاف بر آن، در بیمه عمر و حوادث بیمه گر موظف به پرداخت مبلغ تعیین شده در قرارداد فارغ از میزان خسارت واقعی می باشد. این امر را می توان از ماده ۲۳ قانون بیمه نیز استنباط نمود که بیان می دارد: در خصوص بیمه عمر و نقص و شکستگی اعضای بدن، وجوه پرداختی در هنگام انعقاد قرارداد بیمه بایستی میان طرفین تعیین گردد. این امر حاکی از آن است که میزان وجوه پرداختی علقه ای با میزان خسارت وارده ندارد و می تواند کمتر یا بیشتر از آن باشد. در بیمه های اشخاص نه تنها اصل جبران خسارت و به تبع آن اصل قائم مقامی، حاکمیت ندارد و بیمه گذار نمی تواند به عامل زیان رجوع کند؛ بلکه شرط رجوع و قائم مقامی از زیان دیده نیز پذیرفته نیست. چرا که این بیمه ها از شمول ماده ۳۰ قانون بیمه تخصیص خورده اند. در واقع از آنجا که مقصود اصلی بیمه های اشخاص در ارائه مزایا، جبران خسارت زیان دیده نیست، بیمه نیز حق رجوع به دیگری را ندارد. لذا دریافت وجوه خسارت علاوه بر آنکه از عامل زیان امکان پذیر است، زیان دیده می تواند به شرکت های بیمه نیز رجوع کرده و مبالغی را دریافت کند؛ زیرا این مبالغ ارتباطی با خسارت و میزان آن نداشته و پرداخت آن بر مبنای قراردادی است که میان طرفین به توافق رسیده است.

با پذیرش قاعده منبع ثانوی در بیمه های اشخاص می توان بدین جواز نیز دست یافت که اشخاص می توانند به انعقاد بیمه های مضاعف اقدام کنند و علاوه بر عامل زیان از محل چند بیمه نیز در خصوص یک زیان واحد وجوه خسارت را دریافت کنند. به عنوان مثال می توانند به طور همزمان علاوه بر بیمه عمر به شرط فوت، بیمه حوادث در فرض فوت را نیز خریداری کنند و از سه محل بیمه عمر به شرط فوت، بیمه حوادث و عامل زیان وجوه خسارت را از یک زیان واحد دریافت کنند. اما این امر در بیمه های خسارت که تابع اصل غرامت و قائم مقامی است مغایرت دارد.

همچنین از میان بیمه های اشخاص در بیمه های عمر، حوادث و بیمه های درمانی که جنبه غرامت ندارند اصل قائم مقامی حاکم نمی باشد و زیان دیده می تواند هم به عامل زیان و هم

به بیمه های اشخاص رجوع کند. اما هنگامی که بیمه های درمانی جنبه غرامت و جبران خسارت داشته باشند اصل قائم مقامی و عدم اعمال قاعده منبع جنبی پذیرفته است.

بنابراین در خصوص برخی از بیمه های اشخاص قریب به اتفاق نظام های حقوقی دنیا بر این امر تکیه دارند که نظریه قائم مقامی قابل اجرا نبوده و اعمال قاعده منبع ثانوی را در آن مجاز می دانند. لذا با تفکیک بیمه های موجود می توان اعمال قاعده را در خصوص بیمه های اشخاص در سطح جهانی پذیرفت.

نتیجه گیری

نظام عام مسئولیت مدنی در حقوق مسئولیت مدنی به منظور جبران خسارت زیان دیده گرچه در گذشته حاکم بود و بر اساس آن عامل زیان خسارت وارده را جبران می کرد اما ضرورت زندگی جمعی و پیشرفت جوامع و تحول آن ضرورت وجود منابع جنبی را انکار ناپذیر می نمود. پیشرفت جوامع و گسترش تکنولوژی در سده های گذشته، موجب بروز عوامل خسارت های عظیم و خطرات بسیاری شده است که روند جبران خسارت را به شیوه های متفاوتی سوق داده است. لذا روش های گوناگونی در جهت رویارویی با آن صورت پذیرفت. قاعده منبع ثانوی جبران خسارت یک قاعده عام در حقوق ایالات متحده آمریکا است که بر اساس آن دادگاه ها و هیئت منصف مدارک مربوط به دریافت وجوه زیان دیده از منابع جنبی را که توسط عامل زیان ممکن است ارائه شود، نمی پذیرند. بر این اساس مسئولیت عامل زیان کاهش نمی یابد و حتی با وجود دریافتی های زیان دیده از سایر منابع، عامل زیان ملزم به پرداخت کل خسارات وارده می باشد.

طرفداران این قاعده به دستاویزهای محکمی تمسک جسته اند و بیان می دارند پرداخت های منابع ثانوی چون انواع بیمه، در برابر دین عامل زیان اعتباری ندارد و هیچ گونه رابطه ای را نمی توان میان این منابع و عامل زیان متصور شد. همچنین حفظ کارکرد بازدارندگی عاملان زیان بالقوه و بالفعل مانع آن است که مسئولیت عامل زیان را بکاهیم. در واقع پرداخت منابع ثانوی را نمی توان وسیله ی سود عامل زیان قرارداد، چرا که پرداخت از سوی عامل زیان

علاوه بر جبران خسارت، تنبه وی و نظم عمومی را نیز در پی دارد. این دسته استدلال می کنند خسارات وارده به اشخاص تنها به ظاهر آن ختم نمی شود و خسارات معنوی وارده توسط منابع جنبی جبران نمی شود. لذا پرداخت وجوه از محل های متعدد می تواند در ایجاد رضایت زیان دیده و بازگشت او به حالت سابق موثر باشد و وسیله جبران کامل خسارت را فراهم سازد. در این میان حتی اگر وجوه دریافتی منجر به سود مضاعف زیان دیده شود، این امر بر سود عامل زیان و عدم مسئولیت وی ارجحیت دارد. با وجود آنکه برخی حل این مسئله و حفظ بازدارندگی عامل زیان را در رجوع نهادهای ثانوی به عامل زیان می دانند و قائل به قائم مقامی این منابع می شوند اما این راه حل قابل قبول نبوده، چرا که منجر به بی اعتمادی و افکار منفی عموم جامعه نسبت به منابع ثانوی می شود.

با توجه به استدلایهایی که در حمایت از این شیوه ارائه شده است، هر نظام حقوقی که این روش را مطابق با سیاست ها و اهداف خویش بیابد، می تواند آن را اعمال کند؛ چه آنکه اعمال این شیوه را در ایالات متحده آمریکا به عنوان یک قاعده عام و در برخی موارد چون جمع دیه و بیمه های اجتماعی در ایران، شاهدیم. همچنین کاربرد آن را در بیمه نیز بایستی پذیرفت که بر اساس آن اکثریت قریب به اتفاق کشور های دنیا در اعمال این قاعده در خصوص بیمه های عمر و حوادث که ماهیت سرمایه گذاری در آن ها وجه غالب است و حق بیمه در مقابل آن پرداخت شده است، اتفاق نظر دارند.

از آن جا که خسارات وارده بر زیان دیده را نمی توان محدود به ظاهر آن نمود و مسائل گوناگونی در عدم جبران کامل خسارات زیان دیده مداخله دارد، در پایان پیشنهاد می شود با اعمال این شیوه، وسیله ی جبران کامل خسارات وارده بر زیان دیده را فراهم نمود.

منابع

کتاب

۱. بابایی، ایرج، حقوق بیمه، (تهران: سمت، ۱۳۹۰).
۲. بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۱، ۱۳۸۴).
۳. باریکلو، علی رضا، مسئولیت مدنی، (تهران: میزان، چ ۱، ۱۳۸۵).
۴. جلیلود، یحیی، مسئولیت مدنی قضاوت و دولت در حقوق: ایران، فرانسه، آمریکا و انگلیس، (تهران: یلدا، چ ۱، ۱۳۷۳).
۵. حیاتی، علی عباس، حقوق مدنی^۴ مسئولیت مدنی، (تهران: میزان، چ ۱، ۱۳۹۲).
۶. حیاتی، محمد، مترجم، حقوق بیمه. نوشته بو روژه، (تهران: بیمه مرکزی ایران، چ ۲، ۱۳۷۸).
۷. ره پیک، حسن، حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها، (تهران: خرسندی، چ ۱۷، ۱۳۹۰).
۸. صفایی، سید حسین، و حسینی، سید احسان، مترجمان، مبانی و اصول مسئولیت مدنی از دیدگاه حقوق تطبیقی، نوشته آندره تنک، ۱۹۸۳ (تهران: سهامی انتشار، چ ۱، ۱۳۹۸).
۹. قاسم زاده، سید مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی. (تهران: میزان، چ ۴، ۱۳۸۷).
۱۰. نعیمی، عمران، و صداقت، محمد مهدی، حقوق بیمه، (تهران: جنگل، چ ۱، ۱۳۹۱).
۱۱. محمود صالحی، جانعلی، فرهنگ اصطلاحات بیمه و بازرگانی، (تهران: شرکت صادراتی سازمان صنایع ملی ایران، چ ۱، ۱۳۶۷).
۱۲. محمدی، محمد مهدی، حقوق بیمه (مسئولیت و شخص ثالث)، (تهران: میزان، چ ۱، ۱۳۸۵).

مقالات

۱۳. افکار، حمید، و خدابخشی، عبدالله، «طرح نظریه تضامن مسئولیت مسبب حادثه و بیمه گر در قانون بیمه اجباری»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۲۰ (۱۴۰۱).
۱۴. امیران بخشایش، عیسی، و باریکلو، علیرضا، «مفهوم اصل جبران خسارت در حقوق بیمه»، مجلس و راهبرد، شماره ۸۰ (۱۳۹۳).
۱۵. بادینی، حسن، «قواعد حاکم بر اعمال همزمان نظام های جبران خسارت (مسئولیت مدنی، بیمه و تامین اجتماعی)»، مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۲ (۱۳۸۷).
۱۶. بادینی، حسن، و تخشید، زهرا، «مقدمه ای تحلیلی و انتقادی بر مطالعه ی تطبیقی حقوق مسئولیت مدنی آمریکا»، مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۲ (۱۳۹۸).
۱۷. باریکلو، علیرضا، و هاشمی، سید نعمت ا...، «تاثیر بیمه بر بازدارندگی حقوق مسئولیت مدنی»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، شماره ۱۱ (۱۳۹۵).
۱۸. حیدری، قاسم، عامری، پرویز، و آل بویه، علی، «بررسی تطبیقی مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و آمریکا»، پژوهش های روابط بین الملل، شماره ۲ (۱۳۹۷).
۱۹. خادم سربخش، مهدی، و سلطانی نژاد، هدایت ا...، «اصل قابلیت جبران کلیه خسارات»، مبانی فقهی حقوق اسلامی (پژوهش نامه فقه و حقوق اسلامی)، شماره ۱۲ (۱۳۹۲).
۲۰. شاهرخ، سید نورالله، و رحیمی، حبیب الله، «بررسی انطباق اصل جبران همه خسارات با مبانی کثرت گرا در حوزه فلسفه مسئولیت مدنی»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، شماره ۳۰ (۱۴۰۱).
۲۱. عبدی، مونا، و میرشکاری، عباس، «اصول ارزیابی و محاسبه خسارت در بیمه های عدم النفع»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، شماره ۳۵ (۱۴۰۳).
۲۲. غریبه، علی، و امن الهی، عزیز، «مبانی مسئولیت تولید و عرضه تجهیزات پزشکی معیوب در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، شماره ۲۶ (۱۴۰۱).

Books

23. Fleming, John G, *The law of torts*, (Sydney: The Law Book Company, 1987).
24. Fleming, John, *International Encyclopedia of Comparative Law*. Volume XI, Torts, chapter 11, Collateral benefits, (Tubingen: J.C.B. Mohr (Paul Siebeck), 1971).
25. Posner, Richard A, *Economic Analysis of Law*, (New York: Aspen Publishers, 2007).
26. Garner, Bryan A, *Black's Law Dictionary*, (United States: west, Thomson Reuters, 2004).

Articles

27. Fleming, John, 1967. "The role of negligence in modern tort law", *Virginia law review*, vol. 53(4), (1967).
28. Gosnell, Devon L. "The Collateral Source Rule, Whose Windfall Is It?" *Morgantown*.
29. House, Linda L, "Section 1983 and the Collateral Source Rule", *Engaged Scholarship*, vol. 40(1), (1992).
30. Kenneth S. Abraham, "Twenty-First Century Insurance and Loss Distribution in Tort Law", *Cambridge University Press*, (2005).
31. Schap, David, and Feeley, Andrew, "The Collateral Source Rule: Statutory Reform and Special Interests." *Cato Journal*, vol. 28(1): 83-99, (2008).
32. Schap, David, and Feeley, Andrew, "(Much) More on the Collateral Source Rule", *Philadelphia: Paper presented at the Eastern Economic Association Meetings*, (2006).

The basis of the collateral source rule of compensation and its application in the insurance system (American and Iranian law)

Abstract

The appearance of new institutions in order to compensate for injured party about civil liability, the role of the general liability system gradually diminished. The existence of collateral sources such as private and social insurances, Physical Injuries Compensation Fund, charitable institutions, cooperative funds, etc, gradually created the issue of how they should be combined with the agent in order to compensate the injured party. In general, four methods were proposed in order to face and deal with this problem in the world, and the countries laws of the world have chosen each one according to its policies, goals and functions. Applying the collateral source rule of compensation is one of the methods of compensation injured party about civil liability, which was formalized as a general rule in American law nearly two centuries ago and is one of the doctrine principles of common law. Knowing this rule leads us to know what was the reason for creation this method for compensation and on what basis it is based, and in addition, we can identify the application of this method in the insurance system. In this article, while explaining the rule of collateral source, reasoning The rules in favor of the rule in American and Iranian law have been examined and their application has been adapted in certain cases of insurance.

Keywords: insurance, double compensation, damage, collateral sources, Civil liability.